

دربارهٔ «کتابنامهٔ بزرگ قرآن کریم»

محمد علی رضایی کرمانی

کتابنامهٔ بزرگ قرآن کریم
شیخ محمد حسن بکائی

چاپ اول، تهران، نشر قبله، ۱۳۷۴ ش،
[تاکنون] ۷ جلد = ۳۴۶۱ ص، چاپ اول، وزیری.

کتابشناسی (Bibliography)، فن آگاهی از انواع کتاب‌ها و مؤلفان و مصنفان و مترجمان آنهاست.^۱ کتابنامه نیز گاهی مترادف با کتابشناسی است و به فهرست منظم و مرتبی از کتاب‌ها گفته می‌شود که در برخی از ویژگی‌ها با یکدیگر مشترک و با یک هدف مشخص در یک فهرست فراهم آمده است.^۲

فهرست نویسی، کتابنامه نویسی و کتابشناسی، سابقه‌ای بس کهن دارد و شاید عمری به درازای تدوین کتاب داشته باشد، ولی به سبک نوین آن، پس از صنعت چاپ و فراوانی

کتاب، نمود پیدا کرده است. پرواضح است که فواید کتابشناسی در هر علم و موضوعی بسیار فراوان است و همه کسانی را که به گونه‌ای با کتاب (و مانند آن) سروکار دارند، دربرخواهد گرفت. از این رو همه پژوهشگران، مدرّسان و استادان، کتابداران و حتی ناشران نیز از آن سود خواهند جست. در یک کلام، کتابشناسی هر علم و موضوعی، هم برای نوآموز سودمند است، هم برای استادان و فرهیختگان آن فن. این سخن نیز بسیار مشهور است که در صورت آگاهی از کتابشناسی یک علم، فن یا موضوع، دستکم نیمی از آن علم فراگرفته شده است.

در حوزه قرآن و علوم قرآنی، کتابشناسی‌های فراوانی را در دست نداریم و آنچه را که در دسترس است - متأسفانه - کاستی‌های گوناگونی را به همراه دارد و نیز بسیار محدود است و فقط برخی از مباحث قرآنی را در برمی‌گیرد. برخی از این کتابشناسی‌ها (کتابشناسی‌های قرآن و علوم قرآنی) بدین گونه است: معجم مصنفات القرآن الکریم، علی شواخ اسحاق؛ معجم الدراسات القرآنیة، ابتسام مرهون الصفار؛ معجم الدراسات القرآنیة (قسم المقالات)، عبدالجبار الرفاعی؛ معجم الدراسات القرآنیة عند الشيعة الامامية، عامر الحلو؛ کتابشناسی قرآن و علوم قرآنی، صدیقه سلطانی فر و مریم حکیم سیما؛ طبقات المفسرین، سیوطی؛ طبقات المفسرین، داودی؛ طبقات المفسرین، ادنه‌وی؛ مفسران شیعه، محمد شفیعی؛ طبقات مفسران شیعه، عقیقی بخشایشی؛ معجم المفسرین، عادل نویهض، و ...^۳ که شمار همه آنها - با شمارش منابع مختصر و محدود و مورد اختلاف - کم‌تر از صد عنوان کتاب خواهد شد، هرچند شمارش کتابشناسی‌های مهم قرآنی، بسیار کم‌تر از این شمارش است.

از جدیدترین کتاب‌های این حوزه، «کتابنامه بزرگ قرآن کریم» است که چند جلد آن انتشار یافته و بقیه جلدها در انتظار چاپ و نشر است.

در این نوشتار کوتاه، ما برآنیم تا ضمن معرفی کوتاهی از «کتابنامه»^۴، به کاستی‌های آن پردازیم، به آن امید که پیش از انتشار بقیه مجلدات، ویرایش (علمی و ادبی) شایسته‌ای از آن، در دستور کار قرار گیرد.

ساختار و چگونگی «کتابنامه بزرگ قرآن کریم»

«کتابنامه بزرگ قرآن کریم» در حقیقت، یک طرح پژوهشی گسترده است که با همکاری دانشگاه امام صادق (علیه السلام) و اشراف جناب حجت الاسلام شیخ محمد حسن بکائی و یاری ده‌ها تن از محققان و دانشجویان آن دانشگاه انجام می‌پذیرد. این طرح پژوهشی، گویا

بی نظیر است و در هیچ یک از حوزه های زبانی (عربی، فارسی، انگلیسی و...) چنین طرح گسترده ای عرضه نشده است، هرچند ممکن است در حال انجام باشد که ما از آن بی خبریم، ولی افسوس - بلکه صد افسوس - که کاستی های آن فراوان است و از حجم بالای اطلاع رسانی آن کاسته است، به گونه ای که در موارد بسیاری، گزارش ها و اطلاعات نادرستی را به خواننده منتقل می کند.

«کتابنامه»، با مقدمه ای نزدیک به پنجاه صفحه آغاز می شود. در مقدمه از کتاب نگاری و کتابخانه داری، فهرست نگاری و ... سخن به میان آمده است و سپس به اختصار (یازده صفحه) درباره «کتابنامه» و چگونگی آن، مطالبی آورده شده است و فقط به چند نکته کوتاه درباره آن اشاره کرده است، از این رو به ده ها پرسشی که در آغاز مطالعه، برای هر خواننده و پژوهشگری پیش می آید، هیچ اشاره ای نکرده است و درباره هیچ کدام از ریزه کاری های تدوین کتاب سخن نگفته است.

«کتابنامه»، بر اساس نام کتاب های قرآنی و حروف الفبایی فراهم آمده است. گویا چهل هزار عنوان کتاب قرآنی را تا پایان مجلدات، در بر خواهد گرفت.^۵ در گزارش از هر کتاب، تلاش شده است تا از یک قالب و فرم مشخص پیروی شود، بدین گونه که همه کتاب ها، فقط در همان فرم و شکل گزارش شده است. در این شکل، به فراخور دستیابی به اطلاعات هر کتاب، این موارد آورده شده است:

نام کتاب، نام نویسنده، تولد و وفات نویسنده، ناشر، محل نشر، تعداد صفحه، (تعداد مجلدات)، موضوع کتاب، یادداشت هایی درباره کتاب، مأخذ [یاد کرد از کتاب] و نیز گاهی محل نگهداری نسخه های خطی کتاب و محقق کتاب و برخی اطلاعات پراکنده دیگر نیز آورده شده است.

نخستین کتاب گزارش شده، عیناً بدین گونه است:

آئین اسلام و قرآن (فارسی)

غلامرضا/ امیری/ گروسی

محل نشر: تهران: ۱۳۵۷ ه. ش

تعداد صفحه: ۳۰۴

موضوع: بررسی های قرآنی

مأخذ: کتابشناسی ملی ایران - سال ۱۳۵۷ ه. ش/ ۵۴.^۶

معمولاً گزارش کتاب ها، به همین اندازه و کوتاه است، ولی گاهی گزارش یک

کتاب، چندین صفحه را در بر می گیرد، مانند گزارش «الاتقان فی علوم القرآن».^۷

یک امتیاز برای «کتابنامه بزرگ قرآن کریم»

«کتابنامه» در شکل و ساختار کنونی اش، فقط یک امتیاز برجسته دارد که هیچ یک از کتابشناسی های قرآن و علوم قرآنی آن را در بر ندارد. آن ویژگی، حجم فراوان اطلاعات و گزارش ها درباره کتاب های قرآنی است که در مجموعه دیگری - به جز همین کتاب و به صورت یکجا - وجود ندارد. ولی این مجموعه، در واقع نه به صورت یک کتابشناسی منسجم و روشمند است، بلکه فقط به صورت هزاران فیش و یادداشت علمی، ویرایش نشده درباره کتاب های قرآنی است که به زودی در این باره سخن خواهیم گفت.

نگاهی گذرا و فراگیر به کاستی های «کتابنامه»

۱. یاد نکردن از ریزه کاری های تدوین کتاب در مقدمه

ده ها پرسش منطقی، پس از مطالعه کتاب برای پژوهشگر و خواننده پیش می آید که به هیچ کدام از آنها در مقدمه اشاره نشده است، مانند: چرا برخی از مآخذ کتاب های قرآنی گسترده است؟ چرا برخی از کتاب ها تکراری است؟ آیا یک کتاب با چند عنوان، چندین بار تکرار شده است؟ آیا مقالات و پایان نامه های دانشگاهی هم فهرست شده است؟ چرا یک نویسنده، در چند جای کتاب، با نام ها و القاب گوناگون آمده است؟ و ...

پیشکش

۲. نداشتن سیستم ارجاع کتاب ها به یکدیگر

تا آنجا که بررسی شد، حتی یک مورد هم از سیستم ارجاع استفاده نشده است. چه بسا، کتاب های فراوانی که اطلاعات بسیاری از آنها در گزارش کتاب های دیگر است و فقط این مهم، با سیستم ارجاع کتاب ها به یکدیگر به دست می آید، مانند این ارجاع و صدها نمونه مثل آن که نیامده است: آفرینش هنری در قرآن، سید قطب، مترجم: محمد مهدی فولادوند (ج ۱ ص ۲۱) «التصویر الفنی فی القرآن، سید قطب، یا در زیر نام کتاب «آفرینش هنری ...» نیامده است که این کتاب، ترجمه «التصویر الفنی فی القرآن» است، هر چند در موارد اندکی، برخی از توضیحات در گزارش از کتاب ها به چشم می خورد که گاهی نسخه بدلی از سیستم ارجاع است. نداشتن این سیستم، از کاستی های عمده «کتابنامه» است که قابل چشم پوشی نیست.

۳. تکرار یک کتاب، در چندین جای از «کتابنامه»

این کاستی نیز فراوان است و در جای جای «کتابنامه» وجود دارد. برای نمونه «اعجاز

القرآن»، قیروانی (م ۳۸۶ق) در چهار جای کتاب - با کمی اختلاف - آورده شده است، بدین گونه: ج ۲ ص ۴۳۵ و ۴۴۰ و ج ۳ ص ۱۰۶۹ و ۱۰۷۳.

و نمونه های فراوان دیگر که در بخش دوم همین مقاله (نگاهی گذرا به کاستی های کتاب های اعجاز قرآن در «کتابنامه») آورده شده است. این مورد از کاستی ها، نیز فراوان است و قابل چشم پوشی نیست.

۴. فهرست کردن کتاب های غیر قرآنی در «کتابنامه»

برخی از کتاب های غیر قرآنی، به خاطر داشتن چند صفحه اندک درباره قرآن، در «کتابنامه» فهرست شده است، در صورتی که موضوع آن، مثلاً علم کلام است، همچون: «ابکار الافکار»، آمدی، ج ۱ ص ۹۷ و «اوائل الکلمات (اوائل المقالات)»، شیخ مفید، ج ۲ ص ۶۳۹ و ...

۵. عدم ویرایش شایسته و بایسته علمی و ادبی

در این باره سخن بسیار است و شاید بیشتر کاستی هایی که شمارش شده و می شود، در زیر عنوان «عدم ویرایش علمی و ادبی» جای گیرد. ولی برای آگاهی از «عدم ویرایش ادبی» به یادداشت های گردآورنده «کتابنامه» در زیر برخی از کتاب ها بنگرید، مانند: ج ۳/۱، ۷، ۳۰، ۳۱، ۳۷، ۴۳، ۶۰، ۱۰۲ و ...

۶. ناسازگاری در یاد کرد از مآخذ کتاب ها

در گزارش هر کتاب قرآنی - بدون استثناء، جز در مواردی بسیار اندک^۸ - از مآخذ و کتاب هایی نام برده شده است که به این کتاب قرآنی اشاره کرده اند، مانند: «احکام القرآن، ابوبکر جصاص (م ۹۸۲ق)، مأخذ: الذریعة، ج ۱۱/۳۶، [وده ها مأخذ دیگر که پس از آن یاد شده است]»^۹.

یاد کرد از مآخذ کتاب های قرآنی، سودمند و کارآمد است، به شرط آنکه با نظم منطقی همراه باشد و از مآخذ ارزشمند و درسترس، استفاده شده باشد، ولی متأسفانه این گونه نیست. یکی از عمده ترین کاستی های کتاب، همین بخش است که بدون دلیل حجم کتاب را گسترش داده است. مثلاً کتابی قرآنی که ده ها بار چاپ شده و درسترس همگان است، آیا ضروری است که ده ها مآخذ و کتاب، که نام آن کتاب قرآنی را در خود جای داده اند، فهرست شود، مانند: «الاتقان فی علوم القرآن»، سیوطی (م ۹۱۱ق) - که مشهورترین و

در دسترس‌ترین و دومین کتاب کامل علوم قرآنی است - در «کتابنامه»، ج ۱ ص ۱۲۴، افزون بر یاد کردن از چهل ناشر که این کتاب را چاپ کرده‌اند و نام بردن از شصت کتابخانه که نسخه‌های خطی آن را دارند (که این اطلاعات می‌تواند سودمند باشد)، بیش از دویست مآخذ فهرست شده است که از اتقان سیوطی نام برده‌اند. در این مآخذ، کتاب‌های گوناگون، مجلات، جزوات و حتی بورشورها، فیش‌های منتشر نشده، هم به چشم می‌خورد، همچون: مجموعه فیش‌های منابع قرآنی کتابخانه بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، فهرست موضوعی کتابخانه بنیاد دایرة المعارف اسلامی، مقدمه کتاب «الاتقان فی علوم القرآن»!!، لیست کتب مؤسسه دارالمعرفة للطباعة والنشر والتوزيع بیروت در ششمین نمایشگاه بین‌المللی تهران!! و ...^{۱۰}

اگر بنا بر نام بردن همه کتاب‌های پس از قرن دهم باشد که از «الاتقان» نام برده‌اند، فهرست آن هزاران کتاب است نه دویست کتاب.

۷. بی‌دقتی در تعیین برخی از موضوعات کتاب‌های قرآنی

در مقدمه «کتابنامه» آمده است که همه کتاب‌های گزارش شده، در هفتاد و یک موضوع قرآنی طبقه‌بندی گردیده و سپس فهرست شده است.^{۱۱} و نیز آورده‌اند که معیار در تعیین موضوع برای هر کتاب، نام اثر، توضیحات نویسنده و یا اطلاعات فهرست‌نویس بوده است.^{۱۲} ولی مناسب بود، دستکم درباره کتاب‌های چاپ شده و در دسترس، به نام کتاب بسنده نمی‌شد و به کتاب‌ها - یا فهرست مطالب کتاب‌ها - نگریسته می‌شد. مثلاً کتاب «برهان رسالت» استاد جعفر سبحانی، درباره «اعجاز القرآن» است و به جز آن، هیچ مطلب دیگری ندارد ولی موضوع آن «بررسی‌های قرآنی» آورده شده است؛ و نمونه‌های فراوان دیگر که در بخش دوم همین مقاله، فهرست شده است.

۸. یاد نکردن از تحقیق‌های گوناگون یک کتاب

با توجه به آن که گزارش‌های گوناگونی از کتاب‌های قرآنی آورده شده است، همچون: چاپ‌های گوناگون، ناشران مختلف و ...، سزاوار بود درباره کتاب‌های پیشینیان که توسط پژوهشگران گوناگون تحقیق شده است، اطلاعاتی گزارش می‌شد، ولی در موارد بسیاری این گونه نیست. مثلاً درباره همان «الاتقان فی علوم القرآن»، سیوطی، فقط از یک تحقیق کتاب اسم برده است (تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم) ج ۱ ص ۱۲۱. و یا «البرهان فی علوم القرآن»، زرکشی، نیز فقط از همان تحقیق (محمد ابوالفضل ابراهیم)

نام برده است، ج ۳ ص ۱۰۰۲. در صورتی که چندین تحقیق و تصحیح از این دو کتاب در دسترس است.^{۱۳}

۹. فهرست کردن مقالات قرآنی و پایان نامه های دانشگاهی چاپ شده هرچند در مقدمه، به نیاوردن مقالات قرآنی در «کتابنامه» اشاره شده است،^{۱۴} ولی در عمل به صورت کامل از چنین دیدگاهی پیروی نشده است، گویا علت آن پنداشتن مقالات قرآنی به جای کتاب های قرآنی بوده است،^{۱۵} که کتابشناسی ها در این باره بسیار لغزیده اند. برای نمونه، مقالات زیر در «کتابنامه» فهرست شده است: «الاعجاز البیانی فی القرآن»، خالد ابوذر العطیة، ج ۲ ص ۴۲۳ و «اعجاز القرآن فی مذهب الشیعة الامامیة»، توفیق الفکیکی، ج ۲ ص ۴۴۸.

پایان نامه های دانشگاهی چاپ نشده (داخلی و خارجی) نیز، با این که در مقدمه به فهرست شدن آنها، اشاره نشده است، در «کتابنامه» فهرست شده، که کارساز و مفید است،^{۱۶} ولی ده ها پایان نامه دانشگاه های ایران که در دسترس است و درباره موضوعات گوناگون قرآنی است، فهرست نشده است، مانند این پایان نامه ها که سالها پیش از تدوین کتابنامه (سال ۱۳۷۴ ش) انجام پذیرفته است و فقط در حرف «الف» جای می گیرد: آداب حسنه از نظر قرآن، آفرینش از دیدگاه قرآن و حدیث، ابتلا از دیدگاه قرآن و حدیث، اثبات صانع در پرتو قرآن، احکام جهاد در قرآن، استعارات و کنایات قرآن، اسراییلیات و تأثیر آن در تفاسیر قرآن، و ده ها نمونه دیگر.^{۱۷}

۱۰. فهرست کردن کتاب های کوتاه قرآنی (نوشته های قرآنی) و یاد نکردن از برخی کتاب های قرآنی در دسترس **سال جامع علوم انسانی** برای نمونه، فقط گزارش دو کتاب، از صفحات آغازین «کتابنامه» آورده می شود، مانند: «آزمون قرآن (ویژه فرزندان جانبازان انقلاب اسلامی)، چهارده صفحه پالتویی و آزمون قرآن (ویژه همسران گرامی جانبازان انقلاب اسلامی استان اصفهان)، جلد اول و دوم، هر کدام شانزده صفحه پالتویی [و دیگر مشخصات در زیر هر یک از دو عنوان]». ولی در واقع این دو، جزوه هستند نه کتاب.^{۱۸}

کتاب های چاپی قرآنی بسیاری وجود دارد که در دسترس است و کمیت و کیفیت آن نیز گسترده است، ولی در «کتابنامه» نیامده است، که در بخش دوم همین مقاله به آن اشاره خواهد شد.

۱۱. ناهماهنگی در گزارش کتاب‌ها (عدم یکسان سازی)

با توجه به این که «کتابنامه»، فقط در بردارنده هزاران گزارش از کتاب‌هاست، سزاوار است در یک قالب و شکل مشخص و فراگیر و هماهنگ آورده شود، ولی متأسفانه بسیار ناهماهنگ است و کاستی‌های فراوانی در این بخش وجود دارد.

الف. ناهماهنگی در یادکرد از تاریخ تولد و وفات نویسندگان

سزاوار است از نویسندگانی که در گذشته‌های دور - و یا حتی نزدیک - می‌زیسته‌اند، هنگام گزارش کتاب آنها، دستکم تاریخ وفات‌شان نیز گزارش شود، که خوشبختانه در «کتابنامه» به این مهم توجه شده است.

ولی در موارد بسیاری، ناهماهنگی وجود دارد، مثلاً گاهی تاریخ تولد و وفات را آورده و گاهی نیاورده است - در صورتی که در زیستنامه‌ها موجود بوده است - مانند: «ابن حجر»، ج ۱ ص ۵۱ و ۷۰، «شهید سید محمد باقر صدر»، ج ۱ ص ۱۳ و گاهی تاریخ تولد و وفات را به سال میلادی و قمری، هر دو آورده، و گاهی فقط سال قمری را آورده است و گاهی اصلاً تاریخ تولد و وفات پیشینیان نیامده است، مانند: «سیوطی»، ج ۱ ص ۵.

و یا در مواردی نادرست گزارش شده است، مانند: «طبرسی»، ج ۱ ص ۱۵۶؛ و «ابن سراقه»، ج ۲ ص ۴۵۳. ولی در کنار این گونه موارد، تلاش شده است تا تاریخ تولد معاصران آورده شود!!؛ مانند: تاریخ تولد استاد محمد باقر بهبودی که چنین آورده شده است: «متولد ۱۳۵۰ هـ. ق، مشهد»، ج ۱ ص ۳۶۱.

ب. آوردن القاب نویسندگان (دکتر، شیخ، حجة الاسلام، و ...)

هرچند در کتابشناسی‌ها، از آوردن این گونه القاب خودداری می‌شود، ولی در صورت هماهنگی و یک دست بودن آن، شاید سودمند باشد، لیکن این گونه نیست؛ و ممکن است خواننده را به اشتباه بیا فکند و تصور دوگانگی درباره یک شخصیت نماید، مانند: حجة الاسلام حسن عرفان، ج ۳ ص ۱۱۱۰؛ و حسن عرفان، ج ۳ ص ۱۱۱۳؛ الشهید عبدالحسین دستغیب، و عبدالحسین دستغیب شیرازی، ج ۱ ص ۱۰؛ امام کسائی، ج ۱ ص ۶۴ و ده‌ها نمونه دیگر. ولی در کنار این گونه موارد، مثلاً از شهید بزرگوار، سید محمد باقر صدر این گونه نام برده است: محمد باقر صدر، ج ۱ ص ۱۳.

ج. نام بردن از یک نویسنده در جاهای گوناگون کتاب، با نام‌ها، کنیه‌ها و القاب گوناگون

این مورد نیز در «کتابنامه» بسیار گمراه کننده است و در سرتاسر کتاب این کاستی وجود دارد، به ندرت می‌توان یک نویسنده را پیدا کرد که در چند جای کتاب، به یک گونه از او یاد

شده باشد. مثلاً از نویسنده برجسته عرب «مصطفی صادق رافعی»، در جاهای گوناگون «کتابنامه» به صورت متفاوت یاد شده است، مانند: «مصطفی صادق بن عبدالرزاق بن سعید بن احمد بن عبدالقادر رافعی طنطاوی»، ج ۲ ص ۴۵۰ و «صادق مصطفی رافعی»، ج ۲ ص ۴۴۵ و «مصطفی صادق رافعی»، ج ۲ ص ۴۵۱. از این سه مورد، مورد اول، نام بردنی طولانی و زاید است و مورد دوم نادرست و مورد سوم درست و مشهور است.

نیز از «جلال الدین سیوطی»، (م ۹۱۱ق) چنین یاد کرده است: «جلال الدین سیوطی»، ج ۱ ص ۵ و «ابوالفضل عبدالرحمن بن ابی بکر بن محمد خضیری سیوطی مصری جلال الدین»، ج ۱ ص ۱۲۱ و «جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی مصری»، ج ۲ ص ۴۵۷ و «ابوالفضل جلال الدین ابو بکر محمد سیوطی»، ج ۲ ص ۴۵۷ و ...

یا از «ابن حجر عسقلانی»، (م ۸۵۲ق) این گونه یاد کرده است: «ابوالفضل احمد بن علی بن محمد بن محمد بن علی بن احمد الکنانی عسقلانی، مشهور به ابن حجر، ج ۱ ص ۵۱ و «ابن حجر»، ج ۱ ص ۷۰ و ده ها نمونه دیگر.

پیشگفتار

نگاهی گذرا به کاستی های کتاب های اعجاز قرآن در «کتابنامه»^{۱۹}

آن گونه که در مقدمه «کتابنامه» آمده است، همه کتاب های قرآنی به هفتاد و یک موضوع طبقه بندی شده است، که یکی از آن موضوعات، «اعجاز القرآن» است. ۲۰ از این رو نگاهی اجمالی و گذرا به کتاب های این بخش می افکنیم.

در سراسر هفت جلد منتشر شده از «کتابنامه» - که هنوز هم ادامه دارد - دقیقاً ۲۳۴ کتاب قرآنی، با موضوع «اعجاز القرآن» فهرست شده است. فهرست این کتاب ها، در بردارنده کتاب های اعجاز قرآنی هستند که نام آن ها از حرف «الف» تا پایان حرف «ت» است. ولی افسوس که با جست و جو و کنکاش، ده ها کاستی در زمینه های گوناگون در این بخش دیده می شود، از این رو در آغاز آماری را از کتاب های اعجاز قرآن در «کتابنامه» می آوریم و سپس به کاستی های آن - به صورت تفصیلی - می پردازیم.

آماری از کتابشناسی اعجاز قرآن در «کتابنامه»

***شمار کتاب های اعجاز قرآن در «کتابنامه» ۲۳۴ مورد

شمار کتاب های تکراری که در این بخش فهرست شده است. ۲۰ مورد، در قالب ۴۶

عنوان کتاب.

شمار کتاب های غیر قرآنی که در این بخش فهرست شده است. ۶ مورد
 شمار کتاب هایی که اعجاز قرآن نیست. ۱۰ مورد
 شمار کتاب هایی که در واقع مقاله است نه کتاب. ۲ مورد
 شمار کتاب هایی که اصلاً کتاب نیست و حتی نام آن در کتابشناسی ها نیست. ۲ مورد
 شمار کتاب هایی که برخی گزارش های نادرست دیگر دارد. ۱۸ مورد
 شمار کتاب هایی که در واقع، پایان نامه های دانشگاهی منتشر نشده است. ۱۰ مورد
 شمار کتاب هایی که درباره اعجاز قرآن است و پیش از تدوین «کتابنامه»، گزارش آن یا خود کتاب، در دسترس بوده است، ولی در «کتابنامه» نیامده است. ده ها مورد
 شمار کتاب هایی که درباره اعجاز قرآن است و پس از تدوین «کتابنامه»، گزارش آن یا خود کتاب، در دسترس بوده ولی در «کتابنامه» نیامده است. ده ها مورد
 شمار کتاب هایی که بدون نام نویسنده و گزارش مناسب، فهرست شده است.
 ۱۰ مورد

شمار کتاب هایی که نام نویسندگان و تاریخ تولد و وفات آنها به درستی یاد نشده است.
 ده ها مورد

همه آمار آورده شده، فقط درباره کتاب های اعجاز قرآن «کتابنامه» است (۲۳۴ کتاب)،
 و فقط با یک بررسی کلی به دست آمده است و در واقع همه کاستی های این بخش نیست.
 بدیهی است که با بررسی و جست و جوی دقیق تر - متأسفانه - این آمار افزایش خواهد یافت.
 همچنین همه موارد یاد شده، پس از این به صورت تفصیلی گزارش شده است.

گزارشی تفصیلی از کاستی های کتاب های اعجاز قرآن در «کتابنامه»

۱. در ج ۱ ص ۵۱ آمده است: «الآیات البینات للخصوارق المعجزات، ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ق)؛ مذهب: شافعی؛ موضوع: اعجاز قرآن؛ مأخذ: معجم مصنفات القرآن الکریم، ج ۱/۲۹؛ کشف الظنون، ج ۱/۲۱۴؛ ۲۲؛ ...». و نیز در ص ۷۰ می خوانیم: «الآیات الثیرات بخوارق المعجزات، ابن حجر (م ۸۵۲ق)؛ مذهب: مالکی؛ موضوع: اعجاز القرآن». ۲۳

ولی هر دو عنوان، نام یک کتاب است، هر چند در «کتابنامه» برای شخصیت اول نام، کنیه، لقب و نام جد آورده است و او را شافعی معرفی کرده است و شخصیت دوم را فقط «ابن حجر» (م ۸۵۲ق) و مالکی مذهب آورده است. همچنین در همان مأخذ یاد شده (معجم المصنفات ...، و کشف الظنون)، کتاب ابن حجر درباره اعجاز قرآن معرفی نشده

است، بلکه در «معجم المصنفات...» کتاب وی در فهرست کتاب های «بررسی های قرآنی» آورده شده است و در «کشف الظنون»، در فهرست «آیات مشتبهات».

۲. در ج ۱ ص ۹۷ آمده است: «أبعد القرآن، لبید بن ربیعہ (م ۶۶۱ق)؛ موضوع: اعجاز قرآن، مأخذ: دایرة المعارف الاسلامی (انگلیسی)/۱۲۹۸».

ولی لبید بن ربیعہ از شاعران عصر جاهلی است که به سال ۶۶۱ میلادی وفات یافته است (= ۴۱ق) نه ۶۶۱ هـ. ق. و از وی فقط دیوانی از شعر جمع آوری شده است که نزدیک به یکصد سال پیش چاپ و منتشر شده است،^{۲۴} از این رو کتاب وی و موضوع اعجاز بودن آن، جای بسی شگفتی است.

۳. در همان صفحه می خوانیم: «أبکار الافکار، آمدی، موضوع: اعجاز قرآن، مأخذ: رساله الاسلام، سال چهارم، شماره اول/۶۰».

ولی کتاب «أبکار الافکار» در حوزه علم کلام است و به اختصار، مطالب اندکی را درباره اعجاز قرآن دارد، و نیز در مجله یاد شده (رساله الاسلام با همان مشخصات)، فقط در ضمن مقاله ای درباره «صرفه» چنین آمده است: «آمدی در ابکار الافکار گفته است که...»، از این رو حذف این کتاب از فهرست «کتابنامه» ضروری است.

۴. در ج ۱ ص ۱۵۸ آمده است: «الاحتراز عن مفتریات حسن الایجاز، محمد بن محمد مهدی خالصی» و در همان صفحه نیز آمده است: «الاحتراز عن مفتریات حسن الایجاز، آقا محمد ابراهیم بن آقا رضا رئیس التجار اصفهانی مشهدی». و سپس در ج ۲ ص ۶۴۹ می خوانیم: «الاهتزاز عن مفتریات حسن الایجاز، محمد بن محمد مهدی خالصی». ولی هر سه، نام یک کتاب است از یک نویسنده. و نام درست کتاب و نویسنده بدین گونه است: «الاحتراز عن مفتریات حسن الایجاز، محمد ابراهیم خراسانی (= محمد ابراهیم بن آقا رضا رئیس التجار اصفهانی مشهدی)». نویسنده کتاب در آغاز، این کتاب را به محمد بن محمد مهدی خالصی تقدیم و هدیه کرده است و این نام را به گونه ای درشت در صفحه اول کتاب چاپ کرده است، ولی برخی از کتابشناسی ها - از جمله «کتابنامه» - پنداشته اند که کتاب یاد شده از مرحوم خالصی است، از این رو حذف دو کتاب یاد شده (ج ۱ ص ۱۵۸ و ج ۲ ص ۶۴۹) از فهرست «کتابنامه» ضروری است.

۵. در ج ۱ ص ۴۲۴ و ۴۲۵ آمده است: «الاعجاز الطبی، محمد متولی الشعراوی؛ الاعجاز الطبی فی القرآن، دکتر السید الجمیلی؛ الاعجاز الطبی فی القرآن الکریم، محمود دیاب»،^{۲۵} و موضوع در همه آنها «قرآن و دانش جدید» آورده شده است. ولی افزون بر این که کتاب های اعجاز طبی قرآن، بیشتر از این سه مورد است؛^{۲۶} موضوع برخی از آنها

«اعجاز قرآن» و برخی دیگر «قرآن و دانش جدید» است، هر چند بر این باوریم که برخی از کتاب‌هایی را که عنوان «اعجاز علمی» و «اعجاز طبی» و مانند آن را همراه دارد، مسلماً دربارهٔ اعجاز قرآن نیست، ولی در «کتابنامه» دوازده عنوان کتاب، با عنوان «اعجاز علمی» فهرست شده است که همگی - به جز دو مورد - موضوعشان «اعجاز قرآن» تعیین شده است. ۲۷

۶. درج ۲، ص ۴۱۹ آورده‌اند: «اعجاز البرهان فی اعجاز القرآن، ابواسحاق ابراهیم بن احمد الخزر جی الجزری». و درج ۲ ص ۶۵۴ بدین گونه آورده‌اند: «ایجاز البرهان فی اعجاز القرآن، ابواسحاق ابراهیم بن احمد بن محمد انصاری خزر جی جزری».

اول این که هر دو، نام فقیه و ادیب مالکی مذهب، خزر جی جزری (م ۷۰۹ق) است که با کمی اختلاف آورده شده است. دوم آن که کتاب اعجاز وی «ایجاز البرهان فی اعجاز القرآن» است و کتاب دیگری در اعجاز ندارد، از این رو گویا عنوان «اعجاز البرهان فی اعجاز القرآن» اشتباه چاپی مآخذ است که همان گونه در «کتابنامه» آمده است.

۷. درج ۲ ص ۴۲۳ آمده است: «الاعجاز البیانی فی القرآن، خالد ابوذر العطیة، مأخذ: معجم الدراسات القرآنیة عند الشیعة الامامیة/ ۲۲».

ولی نام این کتاب در هیچ یک از کتابشناسی‌های قرآن و علوم قرآنی نیامده است - به جز همان مأخذ یاد شده ۲۸ - و آن گونه که از آن مأخذ به دست می‌آید، این عنوان مقاله‌ای است دربارهٔ اعجاز قرآن، نه کتاب؛ و مقالات قرآنی در «کتابنامه» مورد نظر نیست.

۸. درج ۲ ص ۴۲۰ آمده است: «اعجاز البیان فی تفسیر ام القرآن، ابوالمعالی محمد بن اسحاق بن محمد بن یوسف بن علی، صدرالدین قونوی الملاطی الرومی (م ۶۷۱ق)». و در ص ۴۲۳ آمده است: «اعجاز البیان فی کشف بعض اسرار ام القرآن، ابوالمعالی محمد بن اسحاق بن محمد، صدرالدین القونوی (م ۶۷۲ق)». ۲۹

ولی هر دو نام، دربارهٔ عارف قرن هفتم و شاگرد محی‌الدین عربی، صدرالدین قونوی (م ۶۷۲ق) است که دارای کتابی در تفسیر سورهٔ حمد است که با دو نام، گاهی از او یاد شده است. لازم به یادآوری است برای نخستین عنوان یاد شده، در «کتابنامه» بیش از پنجاه مأخذ آورده شده است و برای دومین عنوان یاد شده، فقط یک مأخذ فهرست شده است. ۳۰

۹. درج ۲ ص ۴۲۴، آمده است: «اعجاز التزیل، سید محمد حسن». و در ص ۴۳۸ آمده است «اعجاز القرآن، سید محمد حسن خان بهادر».

هر دو، نام یک کتاب است، هر چند دوگانگی در شناسنامهٔ کتاب وجود دارد. کتاب یاد شده در کتابخانهٔ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، با این مشخصات وجود دارد:

«اعجاز التنزیل، سید محمد حسن خان بهادر». ۳۱

۱۰. درج ۲ ص ۴۳۲، ۴۴۲، ۴۵۳، سه بار از «اعجاز القرآن» ابن سراقه یاد کرده است، که دو مورد اول، همان محمد بن احمد بن محمد، ابن سراقه (م ۶۶۲ق) است که دارای کتاب «اعجاز القرآن» است و کتاب وی نیز از منابع «الاتقان» سیوطی است. ولی سومی (ص ۴۵۳)، محمد بن یحیی، ابن سراقه (م ۴۱۰ق) است که گویا دارای کتاب «اعجاز القرآن» نیست و تشابه نام وی با ابن سراقه (م ۶۶۲ق) چنین پنداری را به وجود آورده است. «کتابنامه» نیز برای این مورد فقط یک مأخذ آورده است. ۳۲

۱۱. درج ۲ ص ۴۳۲، آمده است: «اعجاز القرآن، ابوالثناء جمال الدین محمود بن احمد بن مسعود بن عبدالرحمن قونوی قاضی (م ۷۷۱ق)». سپس یک مأخذ برای آن آورده شده است.

ولی در کتابشناسی های قرآن و علوم قرآنی این کتاب به چشم نمی خورد، بلکه فقط در زیستنامه ها از این قونوی (م ۷۷۱ق)، کتابی با این نام یاد شده است: «الاعجاز فی الاعتراض علی الأدلة الشرعية» که گویا واژه «الاعجاز» در نام کتاب، آن را به فهرست کتاب های «اعجاز القرآن» کشانده است. ۳۳

۱۲. درج ۲ ص ۴۲۷، آمده است: «الاعجاز العلمی فی القرآن...، عبدالله عبدالرزاق السعید، و...».

ولی کتاب یاد شده، با همان مشخصات کامل چاپی که در «کتابنامه» آمده است، با این عنوان نیز آمده است: «الاعجاز الطبی فی القرآن و...»، لکن کتاب «الاعجاز العلمی فی القرآن...» در کتابخانه مرکز فرهنگ و معارف قرآن قم موجود است و با مشخصات آورده شده نیز سازگار است، از این رو حذف «الاعجاز الطبی...» ضروری است.

۱۳. درج ۲ ص ۴۳۳، آمده است: «اعجاز القرآن، ابوالحسن بن ابوالقاسم بیهقی، علی بن زید (م ۵۶۵ق)». و بدون فاصله، از همین کتاب و همین شخصیت (البته با ده اسم و لقب که بر نام قبلی اضافه شده است) یاد کرده است، و کوچک ترین اشاره ای به یگانگی دو کتاب و دو شخصیت نشده است، بنگرید. ۳۴

۱۴. درج ۲ ص ۴۳۴، می خوانیم: «اعجاز القرآن، ابو عبیده، معمر بن المثنی تمیمی بصری (م ۲۰۹ق)»، و سپس چهار مأخذ در زیر آن فهرست شده است که از کتاب اعجاز وی نام برده اند.

ولی درست این است که ابو عبیده دارای کتاب «مجاز القرآن» است که برخی آن را در فهرست کتاب های اعجاز قرآن شمارش کرده اند، لکن این پندار درست نیست، زیرا کتاب

وی هیچ یک از مباحث متعارف اعجاز قرآن را در بر ندارد، بلکه تفسیر برخی از آیات قرآن - براساس ترتیب سوره ها - است، از این رو حتی تنها درباره مجاز اصطلاحی هم نیست. ^{۳۵}

۱۵. درج ۲ ص ۴۳۴، می خوانیم: «اعجاز القرآن، ابوعلی ... فارسی (م ۳۷۲ق)» ولی هرچه در زیستنامه ها و کتابشناسی ها و مقدمه محققان کتاب های وی جست و جو کردیم، به کتاب اعجاز او برنخوردیم، امید است گزارش یاد شده در «کتابنامه» درست باشد تا کتابی ناشناخته از کتاب های دانشمند پرآوازه (ابوعلی فارسی) برحجم کتابخانه های ارزشمند علوم اسلامی افزوده گردد.

۱۶. درج ۲ ص ۴۳۵، آمده است: «اعجاز القرآن، ابو محمد ... قیروانی (م ۳۸۶ق)». و به ترتیب در سه جای دیگر کتابنامه، از همین کتاب و نویسنده - با کمی اختلاف در مآخذ، و آوردن اسم و لقب های گوناگون - یاد شده است، بدین گونه: ج ۲ ص ۴۴۰ و ج ۳ ص ۱۰۶۹ و ۱۰۷۳، از این رو حذف سه مورد اخیر ضروری است.

۱۷. درج ۲ ص ۴۳۶، می خوانیم: «اعجاز القرآن» ابن مقفع (م ۱۴۶ق) و سپس یک مآخذ برای یاد کرد از این کتاب، فهرست شده است.

ولی آن گونه که شهرت یافته است، ابن مقفع در فهرست معارضان با قرآن گنجانده شده است، هر چند دیدگاه برخی از محققان این گونه نیست، ^{۳۶} از این رو نسبت کتاب «اعجاز القرآن» به ابن مقفع بسیار بعید است و در کتابشناسی ها و نوشته های اعجاز قرآن به این مسأله اشاره نشده است، زیرا نخستین کسی را که کتاب اعجاز قرآن با همین نام نوشته است، واسطی (م ۳۰۶ق) شمرده اند، هر چند جاحظ (م ۲۵۵ق) نخستین کسی است که درباره اعجاز قرآن کتاب مستقلی نگاشته است، گرچه نام آن را «نظم القرآن» نهاده است.

۱۸. در همان صفحه می خوانیم: «اعجاز القرآن، امامی، مآخذ: رساله القرآن شماره ۱۸۵/۲».

ولی نام نویسنده «امامی» نیست، بلکه مآخذ یاد شده (رساله القرآن) به نقل از «الذریعه» چنین آورده است، که مراد از «امامی» مذهب نویسنده بوده است، نه نام و لقب وی!!

۱۹. درج ۲ ص ۴۳۷، آمده است: «اعجاز القرآن، جلال الدین السیوطی (م ۹۱۱ق)».

ولی کتاب سیوطی چنین نامدار است: «معتك الاقران فی اعجاز القرآن» که چاپ و منتشر شده است. در فهرست نزدیک به ششصد کتاب و رساله سیوطی، کتابی با عنوان «اعجاز القرآن» وجود ندارد، از این رو این کتاب باید در حرف «م» فهرست شود.

۲۰. در همان صفحه می خوانیم: «اعجاز قرآن»، رشاد خلیفه، ترجمه و ضمائم،

محمد تقی آیت الهی».

ولی این کتاب، با همان مشخصات چاپ، بدین گونه است: «اعجاز قرآن، تحلیل آماري حروف مقطعه»، از این رو لزوماً عبارت ادامه نام کتاب باید آورده شود، همان گونه که در ج ۲ ص ۴۴۶، این گونه رفتار شده است: «اعجاز قرآن در عصر کامپیوتر، رشاد خلیفه، مترجم محمد جواد سهلانی».

۲۱. در ج ۲ ص ۴۳۸، آمده است: «اعجاز القرآن، سعید بن محمد [نیشابوری] (م ۴۴۰ق)»، همین کتاب و نام، در ص ۴۳۴ تکرار شده است!

۲۲. در همان صفحه می خوانیم: «اعجاز قرآن، سید محمد حسن بن محمد تقی اصفهانی (م ۱۲۶۳ق)». همین دانشمند شیعی، با همان کتاب - البته با چند اسم و لقب، افزون بر آنچه که یاد شد - در ص ۴۴۲ تکرار شده است. از عدم تداخل مآخذ یاد شده در زیر نام های کتاب، روشن می شود که «کتابنامه»، این نام و کتاب را درباره دو شخصیت دانسته است.

۲۳. در ج ۲ ص ۴۴۲، ۴۴۷ و ۴۴۸، سه کتاب اعجاز قرآن از دکتر عبدالکریم خطیب آورده شده است، به ترتیب بدین گونه: «اعجاز القرآن»، «اعجاز القرآن فی دراسات السابقین» و «اعجاز القرآن فی مفهوم جدید».

ولی افزون بر این که از نویسنده با لقب های اضافی یاد شده است، وی دارای دو کتاب درباره اعجاز است نه سه کتاب، و نام های درست دو کتاب با همان مشخصات یاد شده در «کتابنامه»، بدین گونه است: «اعجاز القرآن، الاعجاز فی مفهوم جدید» و «اعجاز القرآن، الاعجاز فی دراسات السابقین».^{۳۷}

۲۴. در ج ۲ ص ۴۴۵، می خوانیم: «اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، صادق مصطفی رافعی، مترجم ابن الدین». و در ص ۴۵۱ نیز می خوانیم: «اعجاز قرآن و بلاغت محمد ﷺ، مصطفی صادق رافعی، مترجم ابن الدین». سپس در ج ۴ ص ۱۴۹۰، می خوانیم: «ترجمة اعجاز القرآن (رافعی)، ابن الدین»، [و دیگر مشخصات که در زیر هریک از سه مورد ذکر شده است].

ولی این سه عنوان، درباره یک کتاب است که گویا درباره مورد اول این گونه است که در یادداشت های علمی (فیش ها) که توسط دانشجویان محقق انجام پذیرفته است، اشتباهی رخ داده است، زیرا این عنوان کتاب از آقای یدالله نیازمند شیرازی است که پیش از آن هم در «کتابنامه» یاد شده است، سپس همان نام تکرار شده است، از این رو عنوان درست کتاب بالا، این گونه است: «اعجاز قرآن و بلاغت محمد ﷺ، مصطفی صادق

رافعی، مترجم ابن الدین؛ و در صورت چاپ کتاب، با عنوان «ترجمه اعجاز قرآن (رافعی)»، می توان از آن در زیر همان کتاب یاد کرد، نه اینکه آن را به صورت جداگانه آورد.

۲۵. درج ۲ ص ۴۴۸، آمده است: «اعجاز القرآن فی مذهب الشیعة الامامیة، توفیق الفکیکی، مأخذ: معجم الدراسات القرآنیة عند الشیعة الامامیة/ ۲۳ [به نقل از: رساله الاسلام، سال ۳ ص ۲۹۲].»

ولی با مراجعه به مأخذ اصلی روشن گردید که این، عنوان مقاله ای است در یازده صفحه و نه کتاب. و مقالات قرآنی نیز در «کتابنامه» فهرست نشده اند، از این رو حذف آن از «کتابنامه» لازم است.

۲۶. درج ۲ ص ۴۹۶، ۵۱۱ و ۵۱۴، به ترتیب آمده است: «الاغریض فی الفرق بین الکنایة والتعریض» و «الاقتناص فی الفرق بین الحصر والاختصاص»، شیخ تقی الدین سبکی و «الأقصى القریب» التنوخی.^{۳۸}

موضوع آنها «اعجاز قرآن» آورده شده، و مأخذ فقط مقدمه «الاتقان» سیوطی یاد شده است. ولی هیچ یک از کتاب های یاد شده، درباره اعجاز قرآن نیست، بلکه درباره علم بلاغت است. زیرا سیوطی در مقدمه کتاب خود - ضمن شمارش مأخذ کتابش - این گونه می گوید: «ومن الکتب المتعلقة بالاعجاز وفنون البلاغة...»^{۳۹} و سپس بیش از چهل کتاب را برمی شمارد، که نزدیک به ده کتاب، درباره اعجاز قرآن و بقیه آنها درباره علوم بلاغت [و شاید دیگر علوم] است، از این رو تغییر موضوع کتاب های یاد شده در «کتابنامه» ضروری است و شاید با بررسی بیشتر برخی از آنها از «کتابنامه» حذف گردد.

۲۷. درج ۲ ص ۶۳۹، می خوانیم: «أوائل الکلمات فی المذاهب المختارات»، شیخ مفید (م ۴۱۳ق)؛ موضوع: اعجاز قرآن؛ مأخذ: رساله الاسلام، سال سوم/ ۳۰۰ و ۳۰۱.

ولی کتاب شیخ مفید (ره) که به «أوائل المقالات فی المذاهب المختارات» شهرت بیشتری دارد، فقط پنج سطر درباره «اعجاز قرآن» سخن گفته است و نیز فقط یک صفحه درباره «نسخ در قرآن» مطلب دارد، و اصولاً کتاب یاد شده در حوزه علم کلام است. از این رو افزون بر اشتباه در تعیین موضوع، حذف این کتاب از «کتابنامه» ضروری است.

۲۸. درج ۲ ص ۶۵۷، آمده است: «الایجاز فی علم الاعجاز، لطف الله بن محمد بن الریث، ضیاء الدین؛ موضوع: اعجاز قرآن». و در ص ۶۵۹ چنین می خوانیم: «الایجاز الموصل الی الكشف عن معانی الاعجاز، بهاء الدین، لطف الله بن محمد،

الغیاث الظفری (م ۱۰۳۵ق)؛ موضوع: اعجاز قرآن.

ولی گویا هر دو، نام یک شخصیت است و در زیستنامه‌ها آمده است که کتاب «الایجاز» درباره علم معانی و بیان است.^{۲۰}

۲۹. درج ۲، ص ۶۷۹، آمده است: «الایقان فی اعجاز القرآن، محمد کریم خان ابراهیم کرمانی (م ۱۲۸۸ق)». و در ص ۴۴۳ چنین می‌خوانیم: «اعجاز قرآن، حاج محمد کریم خان کرمانی».

ولی گویا هر دو، نام یک کتاب است از یک نویسنده. کتاب سومی را نیز با عنوان دیگری از همین نویسنده یاد آور شده‌اند، بدین گونه: «فایده ای مختصر در اعجاز قرآن و وجه تحدی به آن»^{۲۱}، که برای تعیین چند کتاب بودن این عنوان‌ها، نیاز به بررسی بیشتری است.

۳۰. درج ۳ ص ۹۷۱، می‌خوانیم: «بدعة القرآن بین الفن والتاریخ، فتحی احمد عامر، موضوع: اعجاز قرآن، [و دیگر مشخصات کتاب و نویسنده]». و سپس در ص ۱۰۳۸ آمده است: «بلاغة القرآن بین الفن والتاریخ، فتحی احمد عامر، [با همان مشخصات ص ۹۷۱]».

پیشگفتار

از این رو حذف کتاب «بدعة القرآن بین الفن والتاریخ» که گویا در هنگام فیش برداری، به صورت نادرست نوشته شده است، از فهرست «کتابنامه» ضروری است.

۳۱. درج ۳ ص ۱۰۰۷، می‌خوانیم: «البرهان الکاشف عن اعجاز القرآن الکریم، عبدالواحد بن عبدالکریم الزملکانی (م ۶۵۱ق)، [و دیگر مشخصات کتاب و نویسنده]».

سپس بدون فاصله در معرفی کتاب پس از آن، چنین آمده است: «البرهان الکاشف عن اعجاز القرآن، محمد بن علی بن عبدالواحد بن عبدالکریم، ابن الزملکانی (م ۷۲۷ق)، [و سپس دیگر مشخصات]».

ولی این دو عنوان، درباره یک کتاب است که برخی آن را به زملکانی (م ۶۵۱ق) و گروهی آن را به نوّه وی، ابن زملکانی (م ۷۲۷ق) نسبت داده‌اند، و زیستنامه‌ها بسیار در این باره دچار لغزش شده‌اند. محققان کتاب یاد شده (خانم خدیجه حدیثی و آقای احمد مطلوب)، نه دلیل بر این که کتاب «البرهان ...»، نوشته زملکانی (م ۶۵۱ق) است نه ابن زملکانی (م ۷۲۷ق)، آورده‌اند.^{۲۲} از این رو حذف دومین عنوان یاد شده از «کتابنامه» ضروری است و سزاوار است اطلاعات آن، در زیر شناسنامه کتاب اول [البرهان ...، زملکانی (م ۶۵۱ق)] آورده شود.

۳۲. درج ۳ ص ۱۱۱۰، می‌خوانیم: «پژوهشی پیرامون شیوه‌های اعجاز قرآن، حجة

الاسلام حسن عرفان». و نیز در ص ۱۱۱۳، آمده است: «پژوهشی در شیوه‌های اعجاز قرآن، حسن عرفان، [و دیگر مشخصات، در زیر نام هردو عنوان]».

ولی این دو عنوان، دربارهٔ یک کتاب است که یکی از آن دو مستقیماً و با رؤیت خود کتاب، گزارش شده است و گزارش دیگری برگرفته از مآخذ است. از این رو حذف مورد اول - که کمی با عنوان کتاب چاپ شده، فرق دارد - ضروری است.

۳۳. درج ۳ ص ۱۱۲۲، آمده است: «پیشگویی‌های پیشوایان، در معجزات چهارده معصوم و معجزات و مغیبات قرآن مجید، احمد سیّاح، ۸۸۲ ص، موضوع: اعجاز قرآن». ولی کتاب یاد شده، از ۸۲۲ صفحه، فقط پنج صفحه به اعجاز قرآن پرداخته است (ص ۳۶ - ۴۰) و بقیه کتاب دربارهٔ دیگر معجزات پیامبر اکرم ﷺ (به جز قرآن) و ائمه معصومین ﷺ است. از این رو این کتاب دربارهٔ اعجاز قرآن و قرآن نیست و در فهرست کتاب‌های اصول عقاید گنجانده می‌شود.

۳۴. درج ۴ ص ۱۱۹۸، می‌خوانیم: «تاریخ فکرة اعجاز القرآن، شیخ محمد بهجة البيطار». سپس بدون فاصله آمده است: «تاریخ فکرة اعجاز القرآن منذ البعثة النبوية حتى عصرنا الحاضر، نعيم الحمصي، [و دیگر مشخصات در زیر عنوان هریک]».

ولی گویا هردو عنوان، دربارهٔ یک کتاب است و گزارش درست آن، همان مورد دوم است، زیرا نعيم حمصی در کتاب «فکرة اعجاز القرآن» از کتاب «تاریخ فکرة اعجاز القرآن...» نام برده است و در آغاز کتاب، مقدمه و تقریظ استاد وی، محمد بهجت بیطار وجود دارد (که بر کتاب‌های دیگری نیز مقدمه و تقریظ نوشته است)، از این رو برخی از کتابشناسی‌ها و جز آن، نویسندهٔ کتاب را محمد بهجت بیطار دانسته‌اند نه نعيم حمصی.^{۴۴}

۳۵. درج ۴ ص ۱۲۵۰، چنین می‌خوانیم: «تبصیر الرحمن و تیسیر المّان ببعض ما یشیر الی اعجاز القرآن، مخدوم علی مهائمی (م ۸۳۵ق)، موضوع: اعجاز قرآن» و بلافاصله آمده است: «تبصیر الرحمن و تیسیر المّان فی بعض ما یشیر الی اعجاز القرآن، علی بن احمد اموی هندی^{۴۵} (م ۷۱۰ق)، [و دیگر مشخصات در زیر عنوان هریک]».

ولی کتاب اول، تفسیر کاملی از قرآن کریم است (تفسیر وسیط)، که از سورهٔ حمد شروع و به سورهٔ ناس پایان می‌یابد.^{۴۶} از این رو در فهرست تفاسیر قرآن جای می‌گیرد، نه در فهرست کتاب‌های اعجاز قرآن. ولی برخی از کتابشناسی‌ها به خاطر نام کتاب (تبصیر الرحمان... الی اعجاز القرآن)، آن را در فهرست کتاب‌های اعجاز به شمار آورده‌اند.^{۴۷} گویا کتاب دوم (تبصیر الرحمن...، اموی هندی) نیز همچون اولی است، ولی چون چاپ نشده و در دسترس نیست، گزارش مستقیم دربارهٔ آن مشکل است.^{۴۸}

۳۶. درج ۴ ص ۱۶۰۱، می خوانیم: «التصویر الفنی فی القرآن، محمد مصطفیٰ مراغی، موضوع: اعجاز قرآن، مأخذ: مباحث فی علوم القرآن/۱۵».

ولی مأخذ یاد شده (مباحث فی علوم القرآن، متاع القطان) چاپ های بسیاری دارد (نزدیک به بیست بار چاپ شده است)، که در یکی از این چاپ ها یک سطر از مطالب افتاده است، از این رو فیش بردار «کتابنامه» چنین پنداشته که نویسنده کتاب «التصویر الفنی فی القرآن»، مراغی است. لکن در همه چاپ های دیگر «مباحث فی علوم القرآن» چنین آمده است: «التصویر الفنی فی القرآن، سید قطب». از این رو حذف این عنوان - به همراه گزارش های آن - ضروری است. ۴۹

۳۷. درج ۷ ص ۲۸۴۹، می خوانیم: «التکرار، اسرار وجوده و بلاغته فی القرآن الکریم، حامد حفنی داود، موضوع: اعجاز قرآن». سپس می خوانیم: التکرار الواقع فی القرآن، عمر بن عبدالغنی الغزوی، موضوع: اعجاز قرآن، مأخذ: معجم مصنفات القرآن الکریم، ج ۳/۱۹۶».

ولی کتاب نخست - همان گونه که از نام آن پیداست - گویا درباره اعجاز قرآن نیست و به بحث تکرار در قرآن پرداخته است. شمردن کتاب هایی از این دست، در شمار کتاب های اعجاز قرآن، افزون بر عدم تناسب آن، حجم کتاب های اعجاز را بدون دلیل افزایش خواهد داد.

کتاب دوم (التکرار الواقع...) نیز این گونه است، افزون بر آن، در مأخذ یاد شده (معجم مصنفات القرآن الکریم، ج ۳/۱۹۶)، موضوع کتاب «بررسی های قرآنی» مشخص شده است نه اعجاز قرآن. و نیز کتاب های شبیه به آن، (مانند: اسرار التکرار فی القرآن/ کرمانی) موضوع آنها «ادبیات قرآنی» تعیین شده است. ۵۰

۳۸. درج ۷ ص ۲۸۹۱، آمده است: «التنبیه علی اعجاز القرآن، محمد بن ابی القاسم البقالی (م ۵۶۲ق)». و درج ۲ ص ۴۳۵، چنین می خوانیم: «اعجاز القرآن، محمد بن ابی القاسم البقالی (م ۵۶۲ق)، [و دیگر مشخصات در زیر هر عنوان از کتاب]».

ولی بقالی (م ۵۶۲ق)، دارای یک کتاب درباره اعجاز قرآن است، که در زیستنامه ها و کتابشناسی ها، با دو عنوان گزارش شده است، از این رو حذف یک مورد از آن ضروری است و گزارش درباره دوگانگی نام کتاب، در زیر عنوان دیگر آورده می شود. ۵۱

در پایان برخی از کتاب های اعجاز قرآن را که پیش از تدوین «کتابنامه»، گزارش آن و یا

خود کتاب وجود داشته است ولی در «کتابنامه» فهرست نشده است، یادآور می شویم.

الف. برخی از کتاب های چاپ شده و در دسترس اعجاز قرآن، که پیش از تدوین «کتابنامه» وجود داشته است، بدین گونه است: آیات من الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، جمال الدین حسین مهران؛ اجتهادات فی التفسیر العلمی فی القرآن الکریم، محمد عادل ابو الخیر؛ الاسلام والاكتشافات الحديثة، محمد امین باقر؛ الاعجاز التشريعی فی القرآن والسنة، علی محی الدین القره داغی؛ الاشارات العلمیة فی الآيات الكونیة فی القرآن الکریم، محمد محمود اسماعیل؛ الاشارات العلمیة فی القرآن الکریم، مدحت حافظ ابراهیم؛ الاعجاز الطبی فی القرآن الکریم، علی احمد الشحات؛ الاعجاز الطبی فی القرآن والاحادیث النبویة، عبدالله عبدالرزاق السعید؛ الاعجاز الطبی فی القرآن الکریم، عبدالحمید محمد عبدالعزیز؛ الاعجاز الطبی فی القرآن والسنة، محمد داود الجزائری؛ اعجاز القرآن، احمد حجازی السقا؛ اعجاز القرآن، میرزا ابوالقاسم گیلانی قمی؛ اعجاز القرآن الکریم، فضل حسن عباس؛ الاعجاز القرآنی (بحوث المؤتمر الاول للاعجاز القرآنی)، گروهی از نویسندگان؛ الاعجاز القرآنی فی مجال الاعلام، سامی عبدالعزیز الکریمی؛ الله والکون، محمد جمال الدین الفندی؛ الله والعلم الحديث، عبدالرزاق نوفل و... ۵۲

ب. کتاب هایی که درباره اعجاز قرآن است و پس از تدوین «کتابنامه» گزارش آن یا خود کتاب منتشر شده است، فراوان است که برای اختصار از یادآوری آنها خودداری می کنیم. ۵۳

ج. برخی از کتاب هایی که درباره اعجاز قرآن است و دستکم در کتابشناسی ها و کتاب ها گزارشی درباره آنها موجود است، بدین گونه: آیات العلمیة، عبدالرزاق نوفل، (مأخذ: مباحث فی اعجاز القرآن، مصطفی مسلم/ ۲۹۱)؛ ابلغ المثل ظاهرة جديدة فی الاعجاز القرآنی، محمد الحبس، (مأخذ: دليل المعرض السابع للكتاب العربی/ ۶۲)؛ اثر القرآن فی تطور البلاغة العربیة حتى آخر القرن الخامس الهجری، کامل الخولی، (مأخذ: قضية الاعجاز القرآنی، عبدالعزیز عبدالمعطی عرفه/ ۸۰۵؛ الاسلام والطب الحديث، عبدالعزیز اسماعیل پاشا، (مأخذ: اسلام و طب جدید [معجزات علمی قرآن]، عبدالعزیز اسماعیل پاشا، ترجمه سید غلامرضا سعیدی/ ۷)؛ الاعجاز البیانی فی ترتیب آیات القرآن الکریم و سوره، محمد احمد یوسف القاسم، (مأخذ: الظاهرة الجمالیة فی القرآن الکریم،

نذیر حمدان/۴۴۵)؛ اعجاز القرآن و فکرتہ، ارشد ارشاد، (مأخذ: تاریخ و علوم قرآن، ارشد ارشاد/۶۰) و ... ۵۴

در پایان آرزو مندیم، متولیان این طرح پژوهشی چاره‌ای بیاندیشند و پیش از انتشار بقیه مجلدات «کتابنامه»، در اندیشه بازنگری و طرحی نو باشند، تا اثری ماندگار و جاویدان را از خود برجای گذارند. ان شاء الله.

۱. محمد معین، فرهنگ فارسی، ۲۹۰۱/۳.
۲. کتابنامه بزرگ قرآن کریم، ۱/ مقدمه. مقدمه کتاب، فاقد شماره گذاری مسلسل یا علامتگذاری توسط حروف ابجدی است.
۳. کتاب های «طبقات المفسرین» و مانند آن، می تواند در فهرست کتاب های «روش تفسیری» نیز قرار گیرد.
۴. برای اختصار، گاهی از «کتابنامه بزرگ قرآن کریم» به «کتابنامه» و یا «کتابنامه...» تعبیر شده است.
۵. کتابنامه...، ۱/ مقدمه (چهار صفحه به پایان مقدمه).
۶. علایم نگارشی و ویرایشی، دقیقاً به همان صورت است و کتاب ها در هر صفحه، در دو ستون گزارش شده است.
۷. کتابنامه...، ۱/ ۱۲۱-۱۲۸.
۸. مانند: ۱/ ۱۷۶، ۳/ ۹۷۱ و ۱۰۳۸، که برخی از کتاب ها بدون مأخذ آورده شده است. در برخی موارد آمده است که مأخذ، آقای بکایی است! ۳/۱.
۹. کتابنامه...، ۱/ ۱۷۸.
۱۰. همان، ۱/ ۱۲۶ و ۱۲۷.
۱۱. همان، ۱/ مقدمه (چهار صفحه به پایان مقدمه).
۱۲. همان. هر چند پس از آن افزوده اند: «در تعیین موضوع کتاب، خیلی به صحت گزینش خودمان اطمینان نداریم».
۱۳. دستیابی به تحقیق های گوناگون کتاب های پیشینان - که چاپ شده و در دسترس است - بسیار آسان است، زیرا در صفحه نخست هر کتاب، پس از نام کتاب و نویسنده، نام محقق و مصحح آورده شده است، و نیاز به جست و جوی فراوان در زیستنامه ها و کتابشناسی ها برای این مهم نیست.
۱۴. کتابنامه...، ۱/ مقدمه (شش صفحه به پایان مقدمه).
۱۵. برای اطلاع بیشتر از فهرست مقالات قرآنی، ر. ک: عبدالجبار رفاعی، معجم الدراسات القرآنیة (قسم المقالات).
۱۶. کتابنامه...، ۴/ ۱۴۸۹، ۱۵۴۲، ۱۵۴۴، ۱۵۵۹ و ...
۱۷. برای اختصار، نام نویسندگان آورده نشده است، برای اطلاع بیشتر، ر. ک: [فصلنامه] پژوهش های قرآنی، شماره ۹/۱۰، ص ۳۷۵.
۱۸. کتابنامه...، ۱/ ۱۳. مگر این که شمارش صفحات کتاب، اشتباه گزارش شده باشد که بعید است، ولی در هر دو

مورد، دور از انتظار است.

۱۹. در واقع، در این بخش ما فقط به کاستی‌های کتاب‌های اعجاز قرآن در «کتابنامه» پرداخته‌ایم، بلکه این تعداد از کتاب‌ها را تبرعاً تصحیح و ویرایش کرده‌ایم. این شمار از کتاب‌ها (۷۰ صفحه تقریباً) از هفت جلد کتاب (۳۴۶۱ ص) را در بردارد. به سخن دیگر، این بخش از مقاله، فقط به ۲٪ «کتابنامه» پرداخته است و اگر همه «کتابنامه» و همه هفتاد و یک موضوعی که کتاب‌ها بر آن اساس طبقه‌بندی شده‌اند، بررسی می‌گردید، شاید حجم مقاله، از هفت جلد «کتابنامه» که تا به اکنون انتشار یافته است، بیشتر می‌شد.

۲۰. کتابنامه ... ۱ / مقدمه (چهار صفحه به پایان مقدمه).

۲۱. مواردی از این دست که آمار آن اندک است، فقط موارد یقینی است و نمونه‌های احتمالی گزارش نشده بسیار فراتر از این شمار است.

۲۲. شماره درست صفحه، ۲۰۴ است. و حاجی خلیفه در «کشف الظنون» از این کتاب با این عنوان یاد کرده است: «الآیات النیرات للخوارق المعجزات».

۲۳. برای اختصار، گاهی در نقل قول از «کتابنامه»، جمله‌ها و عبارات خلاصه شده است.

۲۴. برای آگاهی بیشتر، ر. ک: الأعلام، ۵/ ۲۴۰؛ معجم المؤلفین، ۸/ ۱۵۲؛ حنا الفخوری، تاریخ ادبیات زبان عربی (ترجمه عبدالمحمد آیتی) / ۱۴۲.

۲۵. نام درست نویسنده، محمود دیاب است. هر چند این کتاب‌ها در شمار ۲۳۴ کتاب اعجاز قرآن در «کتابنامه» نیست، ولی به خاطر تشابه اسمی، در این مقاله بررسی شده است و گرنه این گونه کتاب‌ها فراوان است.

۲۶. در بخش پایانی همین مقاله، برخی از این کتاب‌ها، فهرست شده است.

۲۷. کتابنامه ... ۲ / ۴۲۶ و ۴۲۷.

۲۸. «معجم الدراسات القرآنیة عند الشیعة الامامیة» دارای لغزش‌های فراوان است.

۲۹. هر چند کتاب قنوی، تفسیر سوره حمد است ولی به علت کلمه «اعجاز» در عنوان آن، در این مقاله فهرست شده است و گرنه کتاب درباره «اعجاز قرآن» نیست.

۳۰. شایان توجه است که نگارنده، فقط یکی از پنجاه مأخذ تفسیر قنوی را که در «کتابنامه» آمده است، بررسی کرد (معجم المؤلفین، عمر رضا کحاله)، که هم جلد و هم صفحه یاد شده در «کتابنامه»، با چاپ‌های گوناگون اشتباه بود، و نیز «معجم المؤلفین»، تفسیر قنوی را به «اعجاز البیان فی کشف بعض اسرار القرآن» یاد کرده بود، نه آن نام دیگر. از این رو بیشتر مأخذ، همان گونه یاد کرده‌اند (باتوجه به مأخذ «معجم المؤلفین» در این باره) و نیز در یاد کرد مأخذ این کتاب در «کتابنامه» به هم ریختگی فراوانی است، هر چند اطلاعات فشرده زیادی هم وجود دارد. برای اطلاع بیشتر بنگرید: عمر رضا کحاله، معجم المؤلفین، ۹/ ۴۳؛ علی شوآخ اسحاق، معجم مصنفات القرآن الکریم، ۱/ ۱۴۷ و ...

۳۱. کتاب دیگری با همان مشخصات، بدون نام نویسنده در «کتابنامه» و همان صفحه آمده است، که گویا سومین تکرار از کتاب نویسنده است.

۳۲. زیستنامه‌ها، محمد بن یحیی، ابن سراقه را، در گذشته به سال ۴۱۰ قمری آورده‌اند، ولی «کتابنامه» (م ۴۰۰ ق) آورده است، برای اطلاع بیشتر، ر. ک: خیرالدین زرکلی، الأعلام، ۷/ ۱۳۶؛ دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۳/ ۶۷۴؛ اسماعیل پاشا، هدیه العارفین، ۲/ ۶۰.

۳۳. برای اطلاع بیشتر، ر. ک: معجم المؤلفین، ۱۴۹/۱۲؛ هدیه العارفين، ۴۰۹/۲.
۳۴. در زیر شناسنامه کتاب اول، یک مآخذ، و در زیر شناسنامه کتاب دوم، بیش از بیست مآخذ فهرست شده است، که گویای عدم شناسایی کتاب و نویسنده آن است.
۳۵. برای اطلاع بیشتر، ر. ک: ابو عبیده، مجاز القرآن، تحقیق محمد فواد سزگین/۱۹.
۳۶. مصطفی صادق رافعی، اعجاز قرآن و بلاغت محمد، (ترجمه ابن الدین)/۱۴۷.
۳۷. در کتابشناسی ها، گاهی این گونه یاد کرده اند و همان گونه نیز شهرت یافته است: «الاعجاز فی دراسات السابقین»، «الاعجاز فی مفهوم جدید». ولی نام هایی را که «کتابنامه» یادآور شده است، شهرت ندارد و بر جلد کتاب های دکتر عبدالکریم خطیب نیز این گونه چاپ نشده است.
۳۸. و کتاب های دیگری نیز از این دست، در «کتابنامه» آمده است.
۳۹. الاتقان فی علوم القرآن، ۱۵/۱.
۴۰. الأعلام، ۲۴۳/۵؛ معجم المؤلفین، ۱۵۶/۸.
۴۱. [فصلنامه] رساله القرآن، شماره ۱۹۴/۲.
۴۲. زملکانی، البرهان الکاشف...، تحقیق خدیجه حدیثی و احمد مطلوب، بغداد، مطبعة العانی، ۱۳۸۵ ش، ص ۲۴. همین مشخصات از کتاب و چاپ آن، در «کتابنامه» نیز آمده است.
۴۳. تعداد صفحات کتاب، ۸۲۲ صفحه است و ۸۸۲ اشتباه چاپی است.
۴۴. برای اطلاع بیشتر، ر. ک: نعيم حمصی، فکرة اعجاز القرآن/ مقدمه؛ معجم مصنفات القرآن الکریم، ۱۵۳/۱.
۴۵. برخی نام نویسنده را «ارموی» آورده اند، ر. ک: کشف الظنون، ۳۳۹/۱.
۴۶. تفسیر مهائمی، در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی (ره) موجود است.
۴۷. معجم المصنفات القرآن الکریم، ۱۵۳/۱؛ البرهان فی علوم القرآن، تحقیق یوسف مرعشلی و همکاران، ۲۲۳/۲، پاورقی.
۴۸. لازم به یادآوری است که در گزارش هر دو کتاب، پس از شمردن کتاب ها به عنوان «اعجاز قرآن» آمده است که برخی هر دو را در فهرست تفاسیر قرآن آورده اند، ر. ک: «کتابنامه»، ۱۲۵۱/۴ و ۱۲۵۲.
۴۹. در «کتابنامه»، ۱۶۰۰/۴، پیش از این گزارش، گزارش درست کتاب سید قطب آمده است.
۵۰. کتابنامه...، ۳۳۸/۱.
۵۱. برای اطلاع بیشتر، ر. ک: مآخذ یاد شده در زیر دو عنوان کتاب بقالی در «کتابنامه»...، ۴۳۵/۲ و ۲۸۹۲/۷.
۵۲. این شمار از کتاب ها، فقط مربوط به حرف «الف» است. گرچه درباره اعجاز بودن برخی از کتاب ها اختلاف است، ولی این کتاب ها با هیچ عنوان و موضوعی در «کتابنامه» نیامده است. همه کتاب های یاد شده در کتابخانه مرکز فرهنگ و معارف قرآن قم موجود است.
۵۳. نگارنده، کتابی را با عنوان «کتابشناسی اعجاز قرآن» سامان داده است که به زودی منتشر می شود، در آنجا این بخش از کتاب ها فهرست شده است. البته در یاد نکردن «کتابنامه» از این گونه کتاب ها (بند «ب»)، هیچ لغزش وجود ندارد، زیرا که پس از «کتابنامه» منتشر شده است.
۵۴. این شمار از کتاب ها نیز، فقط مربوط به حرف «الف» است و مآخذ یاد شده از این کتاب ها (نه خود کتاب ها)، در کتابخانه مرکز فرهنگ و معارف قرآن قم موجود است.